

متن پرسش

با سلام محضر استاد طاهرزاده: با توجه به تاکیدي که بر تربیت سه بعد وجودي انسان در کتاب ادب خیال قلب و عقل دارید ۱. جایگاه شاهنامه در این بین چیست؟ ۲. در تربیت بعد خیال شاهنامه مرجح است یا مثنوی معنوی؟ ۳. و اساسا رسالت تاریخي فردوسي چه بود و چرا فرد حکيمي چون او به چنین کاري دست زد؟ آیا این کار را وظیفه شرعي خود مي دانست؟ ۴. آیا عدم رواج شاهنامه پس از انقلاب صرفا به خاطراین بود که نام شاه را یدک دارد کما اینکه میدان شاه اصفهان را به میدان امام تغییر دادند در صورتیکه این میدان ربطی به پهلوي ندارد و مرتبط با شاهان صفوي که مورد تجلیل رهبري نیز هستند مي باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور که متوجه شده‌اید فهم جایگاه شاهنامه نسبت به مثنوی علاوه بر این که مشکل تر است با مثنوی مولوی بیشتر می‌توان به مسائل اخلاقی و عرفانی دست یافت، هرچند جناب فردوسی در شاهنامه روحیه‌ای از ایران و ایرانی که نظر به وجوه قدسی دارد را به میان آورده است تا دلاوری‌های رستم ما را منتقل به شخصیت‌هایی چون امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» نماید و این کاری است که هنوز شروع نشده است. به نظر بنده شاهنامه در حجاب نقالان گرفتار شد و از این حجاب خارج نشده در حدی که امثال بنده نیز بدان نپرداخته‌اند. موفق باشید